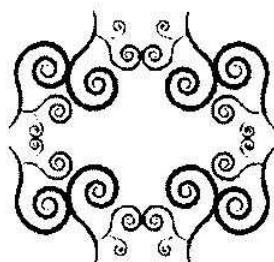


۱۴۷۱۱۱۶

از مجموعه زندگانی سالم

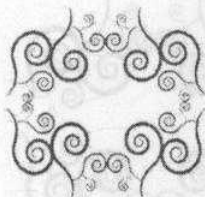


به‌های یک نگاه

چقدر است؟

دکتر احمد صبور اروپایی





از: سید محمد باقر

بهای یک نگاه
چقدر است

نویسنده: دکتر احمد صبور

چاپ: صاحب کوثر

چاپ: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

سرشناسه: سید محمد باقر، احمد، ۱۳۰۲
عنوان و نام پدیدآور: بهای یک نگاه چقدر است؟ نوشته دکتر احمد صبور
مشخصات نشر: تهران: ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری: ۱۹۶ ص.؛

شابک: ۹۶۴-۵۹۵۲-۶۷۰-۶
بازداشت: کتاب حاضر برگزیده نگاه پاک زن و نگاههای آلوده به او
موضوع: زنان در اسلام - زنان - مسائل اجتماعی و اخلاقی
شماره افزوده: ایران.

رقمبندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳۶

رقمبندی کنگره: ۱۳۷۷ ۱۶ ۸۰۱۲ ۲۵ ص ۳۳۰/۱۷۲ BP

شماره کتابشناسی ملی: ۶۷۷-۶۲۴۵

تلفن: ۶۶۴۰۰۹۲۴ - نمابر: ۶۶۴۰۳۱۰۱

Email: resalatqalam@yahoo.com

فهرست

۵	پیشگفتار
۱۳	نابودی امنیت - راجه
۱۵	حجاب و شفافیت
۲۰	زن و اضطراب راجه
۳۰	برترینی دیگران
۳۵	عقل و نفس: نوسانات نفس اماره
۴۱	مراتب مصونیت مرد در برابر زن
۴۵	دسترسی به لذت بالاتر
۵۴	راه نجات مرد
۵۶	شکر نعمت
۶۲	منشأ انحرافات زن
۶۹	مشکل بدآموزی زن
۷۰	پاک‌نگری در مرد!
۷۲	وسعت دایره ناامنی‌ها
۷۶	در فرهنگ غرب
۸۰	مترلینگ و نظراتش
۸۳	نظریه فروید
۸۳	نقدی بر نظریه فروید
۸۵	مشکلات لاینحل غریزه جنسی
۸۷	جهان بعد از فروید

۹۹	بهای «یک نگاه» چقدر است؟
۱۰۴	نگاه!
۱۰۷	تفاوت‌های دیدن با نگاه کردن
۱۰۸	روح نگاه
۱۱۳	مجدوبیت
۱۱۶	رابطه شرایط قلبی با اعمال
۱۲۲	مقام و موقعیت امر
۱۲۷	دست‌آورد
۱۲۹	دل‌ربایی و دل‌دادگی
۱۳۱	بهای دانا
۱۳۴	بی‌ثباتی احوال دانا
۱۳۶	میل: پایگاه و خصوصیت بزرگ
۱۴۴	دل یا کانون خطر
۱۵۰	سلم محض در مقام بندگی
۱۵۷	ترفندهای یک تار مو

بسم الرحمن الرحیم

پیشگفتار

گرچه ساینس پس درازتر است که در جوامع مختلف موضوع «زن» و حقوق حقه و مقام ارجمندش در جامعه و نقش حیات بخشش در زندگی انسان‌ها مورد توجه محافل و مراکز علمی و فرهنگی قرار گرفته است، و هر چند که نسبت به تحقیرها و توهین‌ها و هتک حرمت‌ها و رسوایی‌ها و عدم امنیت‌هایش در گذشته و حال ظاهراً حساسیت‌هایی نشان داده شده و خیلی از خود را نسبت به حال زن رثوف و دل‌سوز جلوه گر می‌سازند (که حقیقتی هم ندارند)، اما از نظر تیزبین آگاهان و صاحب‌نظران علمی رغم این گفتارها، نوشتارها، کنگره‌ها، سمینارها، گردهم‌آیی‌ها و ایجاد جمعیت‌های مختلف زنان در جهان این حقیقت را سر می‌نویسد و نمی‌باشد که هنوز کوچک‌ترین گام موثری مطابق با شئون و مقام و جایگاه حیاتی و اجتماعی زن و در جهت حفظ حقوق و شئون او برداشته نشده است، تمام این صحنه‌سازی‌ها، چرب‌زبانی‌ها و لطایف الحیل مصلحت‌آمیز در جوامع بشری - خصوصاً در غرب - خود نیز یکی از عوامل اغفال‌کننده زن است. اگر معدود زنان آگاه و مومن و معتقد به اصالت و حقانیت احکام آسمانی را حذف کنیم، مابقی زنان معاصر (و گذشته) به علت موضع‌گیری لرزان و ناپایدار در زندگی، بیش‌تر به عروسک‌های آراسته‌ای شبیه‌اند تا انسانی آزاد و وارسته که از خود علم و آگاهی و معرفت و بصیرت و خویش‌شناسی اصولی داشته و تابع جریانات و تحولات زمان نیست، عروسک یا رقاصه‌ای که به علت ناآگاهی و ظاهربینی و دهن‌بین بودن همواره در حد فاصل دو قطب مخالف زنان: سنت‌های غلط قدیم و بدعت‌های مهلک جدید لرزان و در نوسان است، دائماً تغییر حال می‌دهد و مرتباً به تغییر پوشش و آرایش سرگرم و چشم

به‌راه تحسین این و آن است و در چنین شرایطی است که زنی از محور مواهب فطری و خدادادی‌اش فرسنگ‌ها دور افتاده و بازیچه دست روزگار و آلت فعل بوالهوسان گشته و خلاصه به خود و سرنوشت خود متعلق نبوده و اساساً نمی‌داند که چرا ... به جهان قدم گذاشته و چرا زندگی می‌کند و هدفش از این همه تلاش و کوشش در خودآرایی و خودنمایی آخر چیست و چه خواهد بود؟! در چنین شرایطی است که چون زن از بازیافتن هویت اصلی خود عاجز مانده و از اتکاء به شخصیت حقیقی و ندی خویش محروم است عملاً - بدون این‌که خود بداند - بازیچه‌هایی در دست کارکردنان و صحنه‌سازان مکار و ریاکار عصر خویش بود و ندانسته یکی از ابزار کار و و ایل بهره‌نم یگران و حتی استثمار و استعمار در تمام جهات (از جمله در ارضای این جوانم) می‌گردد.

ماجرای در این کشور شده در طول تاریخ حکایت از آن دارد هر وقت «مرد» بخواهد و در هر حالی که در قدرت استیلا به‌دست آورد بدون کم‌ترین رحم و عاطفه‌ای نسبت به حال و ته در پر رسیدن به اهداف پست و نیات پلید کام‌جویی خویش بوده و کاری به سرنوشت بعدی زن ندارد مگر مردانی که از تعالیم صحیح آسمانی (و نه ساخته و پرداخته شیطان - بی) برخوردار شده و به مراتبی از کمالات روحی - اختصاصاً تقوایی به مفهوم حقیقی - دست یافته‌اند که متأسفانه بسیار کم و به تعبیری در ردیف «التأثیر کالمعدوم» یعنی در - کم‌حاصل‌اند.

این همه جنایات و شنیع‌ترین رفتارها با زنان ملل متخلف در جنگ‌ها و یا ملل تحت سیطره استعمار غرب گواه است که چه خاطرات درخشان از استیلای مردان وحشی و درندگان انسان صورت در معامله با زنان در تاریخ به جای مانده است در این جا مجالی به برشمردن این همه بدبختی‌ها در عالم بشریت نیست اما معاصرین می‌توانند به‌خاطر آورند که چگونه صرب‌ها در بوسنی هرزگوین و صربستان‌ها در فلسطین و صدامیان در عراق و طالبان در افغانستان و غیره و غیره... و بالاخره همه ملل استعماری غرب در شرق و سایر بلاد استعمار زده، با زنان اسیر برخورد کردند و این متمدنین مستقیم و غیرمستقیم حریم حرمت و عفت زن را چگونه در هر جا که قدم گذاشتند شکستند و از زن در چه حالی و به چه صورت‌های شرم‌آوری بهره‌برداری نمودند - و می‌نمایند - که همگی مایه شرمندگی همه انبای بشریت است و با این حال چه‌قدر وقیحانه و بی‌شرمانه دم از حفظ «حقوق بشر» می‌زنند! و بر آن اکتفا نکرده بلکه دفاع از حقوق زن را به عنوان یک ابزار سیاسی برای درهم شکستن نظام سیاسی

و فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی ملل ضعیف به کار می‌گیرند که مجموعه این‌ها می‌تواند ماهیت فاسد و پلید قدرت‌های استکباری در سرتاسر جهان را بشناساند و کوچک‌ترین تردیدی در ماهیت پلید این دلسوزی‌های مکارانه غرب و متمدنین پر مدعایش باقی نگذارد.

به‌طور کلی چنان که در متن کتاب حاضر و مخصوصاً در گزارشات مشروح ترش در کتاب «نگاه پاک زن - و - نگاه‌های آلوده به او» مورد بحث و بررسی قرار دادیم، در مجموع این نتیجه حاصل می‌شود که تا «مرد» با اصول صحیح انسانی تربیت و هدایت نشده و افکار و عقایدش پشتوانه محکمی از تعالیم عالیه آسمانی (ایمان و اعتقاد) بر روی معرفت و بصیرت و نه خیالی) نداشته باشد، در هیچ شرایطی زن می‌تواند در برخورد با او احساس امنیت نماید بلکه چنین مردی در هر جا و در هر حالی نسبت به سلامت جسم و روح و مواهب خدادادی زن عنصری است مخل و مزاحم بلکه در شرایط «اناک و مهلک».

اما این که معیارهای صحیح تربیت اصولی چیست و کدام است و در کجا است حرف بسیاری برای گفتن داریم و این که کدام پدر و مادر آگاه و وظیفه‌شناسی است که فرزندان پسر خود را بتواند با دست بستی به اصول تربیتی صحیحی پرورش داده و به صورت یک انسان وارسته و تربیت شده واقع روانجامعه نماید، در این مورد نیز گفتنی زیاد است که مجال پرداختن به تمام زوایای سئوال موجود ندارد و محتاج بحث جداگانه و تالیفی مستقل است، اما آنچه در حال حاضر در ذهن و مسلم است این است که هنوز فرهنگ معاصر، خود در تعریف «تربیت» و انتخاب مریض از میان این همه تعاریف مختلف و متضادی که در کتاب «زیربنای تربیتی انسان» نمرنه‌ها از آن را نقل کرده‌ایم، در مانده است بلکه وضع موجود در جوامع غربی خود را حکم زبان حالی است که با ندای بسیار بلند و گویا می‌خواهد به مردم دنیا اعلام دارد که: ای جهانیان با توجه به احوال نسل جوان در غرب بدانید که نه از تربیت به معنی واقعی در غرب خبری هست و نه برای تربیت صحیح انسان‌ها «الگوی صحیح» در دسترس! و این همه ادعاهای فرهنگ، غرب در باب تربیت، توخالی و بی‌اعتبارند. بلکه محصول این تربیت‌ها و تربیت شده‌ها خود گویای این حقیقتند که هنوز در دایرة المعارف فرهنگ بشر اصلاً «تربیت به معنی حقیقی خود» مطرح نگردیده است تا معلوم شود منظور از «تربیت» در این فرهنگ چیست؟ آیا منظور پرورش دادن جنایت‌کاران و استعمارگران و بیدادگران و جنگ افروزانی است که امروز در صحنه

بین‌المللی این همه دنیا را به خاک و خون می‌کشند؟! یا آنانی هستند که زن را از خود بیگانه ساخته و در استخدام مراکز فساد و فحشا در آورده و یا آنانی هستند که ملل غالب بر زنان ملل مغلوب در جنگ‌ها رحم نکرده و بر نوامیس ملت‌های بی‌پروا تجاوز می‌کنند؟!

اندک بذل توجهی در محصول تربیت شدگان این فرهنگ به خوبی نشان می‌دهد که موضوع «تربیت» در غرب چیزی هم ردیف بازی با الفاظ بوده و نقشی در بهار ایال و غرایز حیوانی مردم ندارد که برای درک واقعیت امر لازم نیست به کتاب‌های معروف فلسفی - روان‌شناسی - روان‌کاوی - علوم تربیتی مراجعه کنیم تا بار دیگر گنگان فیه‌ها و نظریه‌ها و تئوری‌های رنگارنگ بی‌محتوای تربیتی نخورد و داغوش نداریم، بلکه هر یک از نمونه‌های عملی محصولات تربیتی غرب در انسان‌ها را که در صحنه پیکار زندگی زیر نظر بگیریم بخوبی اثبات تجربی ادعای فوق صورت گرفته است که دائماً عین ماجراها و اتفاقات روز در آینه مطبوعات و رسانه‌های گروهی به تصویر کشیده می‌شود و وضع موجود را به همراه با گذشت زمان ولو بسیار جزئیات باشد به ما عکس می‌سازد و نمونه‌های زنده‌ای از تربیت شدگان فرهنگ غرب را که یک کمی از گرگ، ببر و پلنگ و سایر درندگان وحشی ندارند به راحتی در معرفی دیدن تماشای ما قرار می‌دهند و به خوبی نشان می‌دهند که حاصل این همه تلاش و کوشش تمام فلاسفه و روان‌شناسانی و مکاتب داران علوم تربیتی در غرب چیزی جز تربیت شده درندگان خون‌خوار نبوده است، هر چند اقلیت ناچیزی هم از انسان‌های شرافتمند و انسان‌مندان و پیش‌کسوتان علوم و فنون به هر تقدیری به وجود آمده باشند که خود را به دست قدرت‌مندان گرگ صفت همین تربیت‌ها بوده و به خوبی معلوم می‌دارد که سر و دست‌پا در دست اینان چگونه می‌تواند باشد:

برای این که این قسمت از گفتارمان مستند به شواهد زنده‌ای باشد، اینک از میان میلیون‌ها ماجراها در مسیر سرنوشت دردناک زن یکی از موارد زمان حاضر را (که موضوع روز در سطح جهان بوده و معروف حضور همگان نیز می‌باشد) انتخاب می‌کنیم و آن ماجرای ربوده شدن دختر ۱۲ ساله ژاپنی در «اوکی ناوا» بوسیله نظامیان آمریکایی و محاکمه پرسر و صدایش در دادگاه آن شهر به نقل از صفحه ۱۴ (صفحه اخبار) مندرج در روزنامه کیهان شماره ۵۵۸۲ می‌باشد که نشان می‌دهد که رشد فکری و اخلاقی و فرهنگی تربیت شدگان چنان فرهنگی تا چه پایه‌ای رسیده

است که علاوه بر تجاوز بر جان و مال و نوامیس ملل دیگر، اینک به تعبیر همان روزنامه حتی «عفت» دختران خردسال ژاپنی را هم تمدن امریکایی به «حراج» گذارده است و معذلتک مدعی اصلاحات در روی زمین هم بوده و صلاحیت و مسئولیت نظام بخشی از سراسر جهان را هم به خود اختصاص می دهند به طوری که داعیه برقراری «نظم نوین جهانی» را در سر می پرورند! (همان نظم نوین که مراعات عنایت دختر ژاپنی نمونه عملی آن است!) غافل از این که این ابتکار عمل یعنی این بوء عظم نوین جهانی قبل از آنان بوسیله درندگان جنگل ها در همان بدو آفرینش به نام خودشان ثبت رسیده است!! و در احوال این قبیل مصلحین بوده است که قرآن مجید در ۱۵ قریب پیش در سوره بقره آیه ۱۱ و ۱۲ چنین توصیف می کند: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ» و چون به آنان (گم راهان) گفته شود که در دنیا فساد نکند یک جز این نیست که ما اصلاح کنندگانیم (قصد اصلاح داریم!) و سپس قرآن سید این عجز به آنها را رد کرده و اعلام می دارد که مراقب حال آنها در روی زمین باشید که آنان این مفسدین فی الارض هستند ولی از غایت مسخ شدگی خودشان آن فهم و شعور را هم بداد تا بفهمند که صلاح چیست و فساد کدام است:

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ: آگاه باشید که آنان خود فسادکنندگان (اصلی) در زمین اند و خود نمی دانند (شعورش را ندارند) اینک

خبر مندرج در روزنامه:

«... حراج امریکایی: ناها - پدر دختر ۱۲ ساله ژاپنی ساکن جزیره «اوکی ناوا» در جلسه دیروز دادگاهی که سه نظامی امریکایی را به اتهام تجاوز به دخترش محاکمه می کند به تقاضای نماینده دادستان شدیداً اعتراض کرد و خواستار مجازات شدیدتری برای متهمان شد. نماینده دادستان تقاضا کرده بود که با توجه به عذرخواهی و اظهار ندامت متهمان دادگاه هر یک از آنها را به ده سال زندان محکوم کند. پدر دختر که در عین حال پیشنهاد دریافت هزاران دلار پول در برابر گذشت از شکایت خود را رد کرده است گفت: می خواهم از نماینده دادستان پرسم که اگر این عمل نسبت به خانواده او انجام شده بود تقاضای چنین مجازاتی می کرد؟ او باید خوش را جای من قرار دهد. آیا می توانید مجسم کنید که

این سه مرد نظامی نیرومند با دختر خردسال و ضعیف الجثه من چه کرده‌اند؟! این امریکایی‌ها تصور می‌کنند که ژاپن و آسیا هم امریکا است که بشود همه چیز را با پول خریداری کرد! ... و سپس این نشریه در نتیجه‌گیری از نقل این خبر دردناک نظراتش را - خطاب به پدر آن دختر - چنین می‌نویسد: «... آری پدر جان! فقط در قاموس امریکایی‌ها است که همه چیز با پول خریدنی است حتی چیزهایی مثل شرف، آبرو، غیرت، ناموس، تعصب و... و این را می‌گویند: حراج آمریکایی!...»

امید است با دست‌رسی به نمونه‌ای از «نظم نوین جهانی» در ماجرای فوق روشن گردد که در این نظام جدید حقوق حقه همه انسان‌ها مراعات خواهد شد حتی حقوق زن و ایجاد مسیخی برای نشو و نمای او و شکوفا شدن همه استعدادهایش اما فقط در جهت منفی! با این هیار می‌توان دریافت که آن ادعای ایجاد امنیت در جهان و حفظ حقوق حقه بشر در این فرهنگ و تمدن نابالغ و نظم نوین جهانی تا چه اندازه بی‌اساس بوده و چگونه در روز روشن همه جهانیان را آشکارا به مسخره گرفته و چیزی هم ردیف اسباب بازی به حساب آورده‌اند، آن هم مشتی انسان‌های دایم الخمر و مسخ شده از خود بی‌خبر (أَلَا أَنهْم بَدُونٌ وَلَکِنْ لَا یَشْعُرُونَ: فهم و شعورش را ندارند).

* * *

از جمله حقوق حقه‌ای که در تمام اعصار و قرون گذشته و حال از زن ضایع شده و با وجود و حضور مرد در هر صحنه‌ای، هر آن و در هر شرایطی احقاقش مشکل و در مقامی ناممکن تلقی می‌گردد و عبارتست از «احساس امنیت».

محرومیت زن از «امنیت» واقعی از جمله مشکلات حیاتی دایم زن است که نه تنها طی اعصار و قرون بس متمادی همواره موجبات نوعی اضطراب و نگرانی و دغدغه خاطرش را فراهم ساخته است که هم اکنون در عصر حاضر - در اوج ترقی و تکامل فرهنگ و تمدن کذایی! - نیز یکی از مهم‌ترین عوامل اضطراب و نگرانی او به‌شمار می‌رود که توضیح آن را به مطالعه متن کتاب حاضر (و مشروحش را به گزارشات و اظهار نظرهای بانوان در کتاب «نگاه پاک زن» - و - نگاه‌های آلوده به او» موکول نموده و در این مقدمه تنها یادآور می‌شویم که مسأله ترس و واهمه و اضطراب و تشویش و نگرانی زن سالم (با عفت فطری اولیه) از مرد بنا به دلایل مذکور در متون هر دو کتاب مذکور از بدو آفرینش امری فطری و طبیعی بوده که در

تمام اعصار و ادوار زنان پاکدامنی را دامنگیر می‌شده که نیازی به نقل مدارک و شواهد مستندی در این مورد نبوده و تنها در مقام تأیید و اعتماد از صحت و اصالت چنین ادعایی کافی است به یکی دو مورد از شواهد تاریخی مذکور در قرآن مجید اشاره نمایم، آن‌جا که ماجرای نگرانی و اضطراب حضرت مریم (ع) در برابر ظهور ناگهانی فرشته‌ای به صورت انسانی را در آیات ۱۷ و ۱۸ سوره مریم چنین نقل می‌کند: «فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا - قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا: آنگاه که مریم در کنج خلوت از نظرها غایب گردید ما روح خود را (فرشته روح القدس) را به صورت انسانی بر او فرستاده و مجسم ساختیم - مریم که او را انسانی تصور نموده و از حضورش احساس ناامنی نسبت به خود ترسید و مضطرب شده بود) خطاب به او گفت: من از تو به خدای رحمن پناه می‌برم که از پر بزرگوار کنی (که نسبت به من سوء قصدی نکنی) و در آیه ۲۵ سوره قصص در ادامه ماجرای فرار حضرت موسی (ع) از مصر و پناهندگی‌اش به مدین و آب کشیدن برای دختران حضرت شعیب (ع) که با حضور مردان بیگانه از غایت عفت و عصمت و پاکدامنی نمی‌توانستند در کنار مردان بیگانه آب برداشته ببرند، وقتی برای دعوت حضرت موسی (ع) به گرفتن دست‌مزد از پدرشان یکی از دختران نام‌برده به حضرت موسی (ع) مراجعه می‌کند چنین می‌خوانیم: «فَأَخَذَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمَشيً عَلَى اسْتِحْيَاءٍ... کسی از آن دختران در حالی که با کمال متانت و حیا به نزد موسی آمد... و سپس در آیه ۲۰ می‌فرماید که یکی از دختران به پدرش پیشنهاد کرد که این مرد را استخدام کن بر آنکه به کارها که مردی است توانا و امین (اشاره است به احساس امنیت دختران شعیب (ع) را آن مرد): «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ: گفت یکی از آن دختران به پدرش که ای پدر این مرد را اجیر کن (برای خدمت) که بهترین کسی برای خدمت کسی است که توانا و امین باشد (علاوه بر قدرت از فضیلت امانت برخوردار باشد)

در تفاسیر به استناد از احادیث رسیده از حضرات ائمه اطهار علیهم السلام به این نکته هم اشاره شده است که در قصه دختران شعیب حضرت موسی (ع) علاوه بر توانایی و کارآیی که در کشیدن آب از چاه در میان مردان دیگر از خود نشان داد، موقع رفتن به حضور حضرت شعیب (ع) نیز برای این که آن زنان با فراغ خاطر (دور از دغدغه خاطر نسبت به همراهی مردی بیگانه و غیر محارم خود) راه را طی کنند،

خود جلوتر افتاد و آنان را پشت سر نهاد و آنان دریافتند که مردی صالح و امین نسبت به نوامیس دیگران است و لذا دو فضیلت (توانایی و امانت) را براساس مشاهدات خود به او نسبت دادند. آیات متعدد دیگری نیز در این مورد آمده است که مجال نقل همه آن‌ها در این مختصر وجود ندارد و در صورت لزوم به آیات ۳۲ و ۳۳ سوره احزاب و آیه ۵۳ همان سوره و ... مراجعه فرمایند که در تمام موارد ایجاد و حفظ امنیت برای زن از جهات مختلف مطرح و متقابلاً به عدم امنیت در شرایط لاقیدی مرد ا به روشنی برای هر زنی بیان می‌دارد، صرف نظر از این که از نظر شرایط و حالات قلبی و سلامت نفس برای خود مرد را نیز مستقیم و من غیر مستقیم تعیین و تکلیف می‌نماید.

صرف نظر از ممانی و مفاهیم مستی و جنبی ملحوظ در آیات شریفه فوق به طور کلی این چند نتیجه مهم زیر را نیز می‌توان از متن دو ماجرای فوق استنباط و استخراج نمود: اول این که زن سالم (که فطرت پاک اولیه خود را از دست نداده است) در هر مقامی نسبت به حاضر هر مرد بیگانه فطرتاً احساس ناامنی می‌نماید و دوم این که: اگر مرد از فضیلت‌های حقیقی بی‌بهره باشد مسلماً وجودش نسبت به حال زن نگران کننده است و امنیت را را به خطر می‌اندازد. سوم این که، احساس ناامنی برای زن تنها مخصوص عصر حاضر و مردان متمدن! بی تقوای امروزی نبوده بلکه در تمام اعصار و قرون گذشته نیز به علت استیاری جهال و غفلت و تمایلات و غرایز حیوانی در مردان بی اعتنا به هر قید و بند دینی - ایمانی - اخلاقی همواره زن از نعمت «امنیت» محروم مانده است و توان گفت که امر به امنیت در چهارچوب خانه و خانواده است که زن از نعمت امنیت می‌تواند به طور نسبی برخوردار باشد، آن هم نه در هر خانه و خانواده‌ای که در متن کتاب شواهد زنده‌ای از عدالت برای زن در غرب حتی در خانه و خانواده به طور مستند نقل گردیده است. امید است که به توفیق الهی کتاب حاضر گامی در جهت بیان و تفهیم ضرورت حیاتی و «احساس امنیت» برای زن و راه‌های تامین آن به شمار رفته و منشاء اثری باشد.